

زیر درختان زیتون

داریوش اسدزاده امروز از بیمارستان مرخص می‌شود

● گروه هنر: داریوش

اسدزاده که به دلیل مشکلات کلیوی در بیمارستان بستری شده بود، احتمالا امروز، هشتم آذر، از بخش مراقبت‌های عمومی

بیمارستان مرخص خواهد شد.

این بازیگر پیش‌کسوت سینما، تئاتر و تلویزیون در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: «از حدود پنج روز پیش به دلیل مشکلات کلیوی به بیمارستان «ایرانمهر» مراجعه کردم و در همین بیمارستان بستری شدم».

او ادامه داد: «اکنون حالم بسیار بهتر است و در بخش مراقبت‌های عمومی بیمارستان هستم و به احتمال زیاد با تمام‌شدن فرآیند درمانی، فردا مرخص خواهم شد».

این هنرمند در بخش پایانی سخنانش از مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت، سازمان سینمایی و خانه سینما یاد و خاطرنشان کرد: «آنها تا اندازه‌ای که در توانشان بوده از من حمایت کردند. این در حالی است که نباید از آنها انتظار بیش از حد داشت».

داریوش اسدزاده، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، یکم آذرماه ۱۳۰۲ در کرمانشاه به دنیا آمد. او در ۲۰سالگی وارد عرصه بازیگری شد و سال‌ها در مقام بازیگر، نویسنده و کارگردان در تئاتر تهران (نصر) فعالیت کرد. در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی در بیش از ۵۰ فیلم سینمایی ایفای نقش کرد. او پیش از انقلاب ایران را ترک کرد و در سال ۱۳۶۵ پس از ۱۰ سال اقامت در آمریکا بازگشت و در دو سریال «سمنون» و «خانه سبز» حضور داشت.

از دیگر آثار مهم او می‌توان به بازی در فیلم کوتاه «دایره» (۱۳۷۷)، اثر محمد شبروانی و برگزیده منتقدان بین‌المللی جشنواره کن در ۱۹۹۹ اشاره کرد. فعالیت او در دهه ۱۳۹۰ متمرکز بر تألیف کتاب‌هایی درباره تاریخ تئاتر ایران و تاریخ تهران بوده است.

حمایت از راه‌اندازی کسب‌وکارهای فرهنگی و هنری در استان‌ها

● گروه هنر: مدیرعامل «صندوق اعتباری هنر»، سیدحسین سیدزاده، در سفر خود به ارومیه بیان کرد: «صندوق اعتباری هنر با اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت از راه‌اندازی کسب‌وکارهای فرهنگی و هنری به‌ویژه در استان‌های کم‌برخوردار حمایت می‌کند».مدیرعامل صندوق اعتباری هنر با اشاره به حمایت صندوق اعتباری هنر از راه‌اندازی کسب‌وکارهای فرهنگی و هنری گفت: «یکی از طر‌ح‌های حمایتی در دست اقدام در سال جاری میحث حمایت از کسب‌وکارهای فرهنگی و هنری است». بنابر گفته این مدیر فرهنگی، «صندوق اعتباری هنر» به هنرمندان و هنردوستانی که تمایل دارند با تبدیل کارگاه‌ها، خانه‌ها و سایر فضاهایی که قابلیت تبدیل به فضاهای نوین فرهنگی و هنری را دارند کسب‌وکار فرهنگی راه‌اندازی کنند، تسهیلات ارزان اعطا می‌کند.مدیرعامل صندوق اعتباری هنر با اشاره به عضویت بیش از ۶۰ هزار هنرمند، نویسنده و روزنامه‌نگار در صندوق اعتباری هنر تأکید کرد: «قدر هنرمندان واقعی ناشناخته است و ما هر چقدر تلاش کنیم در رضایت اهالی شریف فرهنگ و هنر را کسب کنیم. شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه به‌دنبال تحریم‌های ناعادلانه به سمتی می‌رود که این کار را دشوارتر می‌کند. این موضوع نباید ما را مأیوس کند زیرا ما در کنار هم می‌توانیم مشکلات را حل کنیم».

سیدزاده همچنین با اشاره به سفرهای حمایتی صندوق اعتباری هنر متذکر شد: «سفرهای حمایتی یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های صندوق است که با جدیت دنبال می‌شود. این سفرها شکلی بسیار اجتماعی و سودمند برای ما و اهالی فرهنگ و هنر دارد. در این سفرها به استعدادها و هنرمندانی برمی‌خوریم که می‌فهمیم با برنامه‌ریزی بیشتر باید ظرفیت‌های حمایتی ما توسعه یابد».

مدیرعامل صندوق اعتباری هنر همچنین به اولویت تخصیص تسهیلات به هنرمندانی که در مناطق محروم فعالیت می‌کنند، اشاره کرد و افزود: در انتهای سال ۱۴۰۱ تسهیلات پرداختی به اعضا بازیینی و در سال ۹۷ نحوه تخصیص وام‌ها تغییرات کلی داشته و با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده به‌مراتب بیش از قبل به مطالبات اعضا

صندوق در استان‌ها پرداخته شده است.سیدزاده درباره افزایش مبلغ کمک‌مستمری هنرمندان اظهار کرد: «طرح کمک‌مستمری به هنرمندانی که به دلیل کسوت سن، بیماری و ازکارافتادگی قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خود نباشند و از محل دیگری نیز مستمری دریافت نکنند، تعلق می‌گیرد که خوشبختانه این مبلغ با دستور مساعد وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی از مهر سال جاری به میزان ۷۰ درصد افزایش یافت».

گروه هنر: ایمان ملاجعفری، دانش‌آموخته رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که سابقه شاگردی استاد مرتضی ممیز و استاد سیدمحمد احسانی را دارد. همچنین عضو هیئت علمی پیشین و مدیر گروه گرافیک دانشگاه دولتی سمنان و مدرس پیشین دانشگاه‌های آزاد اسلامی، علمی-کاربردی، سوره، علم و فرهنگ و... نیز است. ملاجعفری قبلا به‌عنوان معاونت اسبق فرهنگی-هنری اداره کل ارشاد تهران فعالیت داشت.

● چرا عضویت هیئت علمی دانشگاه را رها کردید؟ در سال ۱۳۹۰ پس از اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ترک کردم، به عضویت هیئت علمی دانشگاه سمنان درآمدم و بعد از یک ترم مدیر گروه گرافیک دانشگاه سمنان شدم و حقیقتش را بخواهید موقعیت شغلی بسیار خوبی هم بود؛ اما بعد از چند سال تدریس و حضور در کسوت هیئت علمی دانشگاه – برخلاف تصور- احساس یکنواختی و رخوت عجیبی می‌کردم؛ چراکه درگیر روزمرگی علمی و تکرار شده بودم و فضا برای نوآوری و خلاقیت مهیا نبود و احساس می‌کردم که نهن‌ها چیز جدیدی برای ارائه به دانشجویان ندارم؛ بلکه ای بسا آنچه به صورت تکراری نیز به دانشجوانم می‌آموزم، برایشان زیاد هم بود! این وضعیت برایم اصلا مطلوب نبود و حس می‌کردم که روزبه‌روز کیفیت زندگی هنری‌ام افت می‌کند – با اینکه در آن زمان هم کار گرافیک را جدی انجام می‌دادم و در عرصه‌های مختلف گرافیک کاربردی و تبلیغات نیز کار می‌کردم- بنابراین با وجود اینکه می‌توانستم آنجا بمانم یا حتی به دانشگاه دیگری بروم؛ اما ترجیح دادم عضویت در هیئت علمی را رها کنم.

● چطور شد که دوباره به تحصیل پرداختید و چرا این بار خارج از هنر تحصیل کردید؟

بعد از آن احساس نیاز به تحصیل کردم و دوباره در رشته‌هایی که بتواند در حوزه مدیریت بازار و فضای گرافیک و تبلیغاتی که انجام می‌دادم به کار بیاید، مدیریت استراتژیک خواندم که بسیار بر دیدگاه و اندیشه من در حوزه گرافیک اثرگذار بود و پس‌ازآن دوره‌های مختلف مدیریت مارکتینگ را گذراندم و در این حوزه مطالعه جدی داشتم؛ به نحوی که برخی من را اکنون یک مدیر مارکتینگ می‌شناسند تا یک گرافیست! البته همیشه احساس می‌کردم آن چیزی که در آن فضا می‌تواند به من کمک کند که بتوانم مدیر موفقی باشم، ریشه‌اش به کارشناسی و کارشناسی ارشدی که خوانده بودم، وابسته بود و من مارکتینگ را هم با دیدگاه هنری آمیختم. در دوره‌ای فرصت پیدا کردم برگردم به فضای هنری محض و از گرافیک کاربردی که به آن معتقد بودم که در خدمت مصرف‌کننده و بازار باید باشد و در هنر گرافیک فضای بازی را که برای خلاقیت وجود دارد و با اعتقاد به نیاز بازار دست من می‌ست، شروع کردم به خلق آثار در قالب خط - نقاشی و البته این هم باز فضایی بود که همیشه کنار کار من بود. من چهار نمایشگاه انفرادی در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ داشتم که بعدازآن نمایشگاه آثار خط-نقاشی متوقف شد. در سال ۹۰ یک نمایشگاه آثار گرافیکی داشتم و تا الان برای یک نمایشگاه جدید خط- نقاشی در حال کارکردن هستم

● دکترا را چرا رها کردید؟

دکترا را رها نکردم. ادامه تحصیل در رشته خودم چون گرافیک دکترای تخصصی نداشت و باید می‌رفتم پژوهش هنر می‌خواندم یا هنرهای اسلامی می‌خواندم و چون شاخه‌هایی بودند که بیشتر مبتنی بر تئوری هنر بودند و این برخلاف طبع من بود و فضای ذهنی من خیلی با آنها منطبق نبود و احساس می‌کردم اگر بخواهم دکترای تخصصی بگیرم، نیاز دارم که سراغ دانشی مکمل بروم. همین الان هم دانشجوی دکترای تخصصی DBA (مدیریت کسب‌وکار) دانشگاه تهران هستم و فکر می‌کنم این برای تکمیل آموخته‌هایم در گرافیک کاربردی مؤثرتر از گرایش‌هایی مانند پژوهش هنر یا هنرهای اسلامی است.

● آثار و طراحی‌های گرافیکی شما متاثر از چه مکتب و گرایشی است؟ متاثر از چه استادانی هستید؟

من اگر بخواهم گرافیک را به دو شاخه اصلی تقسیم کنم، یکی گرافیک آرت است که به درد نمایشگاه‌ها می‌خورد ولی بدون سفارش‌دهنده است؛ یعنی سفارش‌دهنده آن خود طراح یا جشنواره‌هایی هستند که برگزار می‌شوند و در نهایت باز به خود طراح تصمیم می‌گیرد چه می‌خواهد به‌صورت پیام در قالب گرافیک بیان کند، من تقریبا می‌توانم بگویم هیچ کاری این‌گونه نداشته‌ام و این اولین باری است که این کار را می‌کنم. شاخه دیگر گرافیک، گرافیک کاربردی است؛ یعنی گرافیکی که باید در خدمت بازار و سفارش‌دهنده باشد. من در این بخش تمرکز روی لوگو بوده و لوگو تایپ آن هم به علت علاقه‌ای بوده که به حروف و ساختار حروف داشتم؛ بیش از ۱۵۰ لوگو طراحی‌شده دارم که در سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی، عمومی و دولتی استفاده شده است. پوستر هم زیاد طراحی کرده‌ام اما چیزی که زیاد کنار کارهای من بوده این است که من از سال ۸۳ مدیر هنر انتشارات رشد – مرجع روانشناسی ایران – بودهام که بیش از ۳۰۰ جلد کتاب در زمینه روانشناسی طراحی کرده‌ام. شاید برای شما و هرکس دیگری این سؤال بیش نباشد که چطور این کارها را می‌کردم. واقعیت این است که من در ۱۰ سال اول فعالیت‌م تقریبا شبانه‌روزی کار می‌کردم. وقتی مدیر ارشاد بودم، از محل کارم بیرون می‌آمدم تا نیمه‌شب کار گرافیکی می‌کردم و روزهایی هم در طول هفته در دانشگاه تدریس می‌کردم. آنچه احساس می‌کردم در روند تدریس مؤثر و موجب توفیق است، اتفاقا این بود که دانشجویانم را در جریان فضای عملیاتی و واقعی کار گرافیک قرار می‌دادم و تجربیاتم را به آنها منتقل می‌کردم تا بداند با آنچه صرفا به‌عنوان تئوری گرافیک

هنر



گفت‌وگو با ایمان ملاجعفری

معتقد به میانه‌ام

می‌آموزند، چقدر فاصله دارند. من به دلیل اینکه افتخار شاگردی استاد مرتضی ممیز، استاد سیدمحمد احسانی و استاد صداقت جباری را داشتم‌ام، آموختم که گرافیک هنری نیست که فقط برای دل هنرمند باشد، از اینها غیرازاینکه اصول هنری را آموختم، یاد گرفتم گرافیک ضمن اینکه اصولی دارد و پایبندی به آن اصول اساسی است اما نمی‌تواند برای دل هنرمند باشد. بدین وصف زان شخصی معنی ندارد، به این معنی که فرمولی داشته باشد برای همه مسائل؛ بنابراین هر مسئله‌ای در گرافیک کاربردی مسئله مستقلی است که باید برای آن راه‌حلی به دست آورد اما اصول مشترک آنها پایبندی به یک سری قواعد اساسی است؛ مثل ترکیب‌بندی، استفاده از رنگ در ست، خلاقیت، فضای طراحی درست، ایدپر داری درست و همه اینها نقاط مشترک است. من داشتم زبان شخصی‌ای که مکاتب هنری از آن متأثر می‌شوند. در گرافیک کاربردی منکر نمی‌شوم اما اگر هم باشد – که هست – در کلیات است؛ مثلا من در همه کارهایم سعی کرده‌ام حروف در آنها حرف اول را بزند ولی اینکه با حروف چه حرفی بزنم به فضای مخاطب سفارش‌دهنده منوط بوده و من نمی‌توانستم فضای هنری خودم را ثابت نگه دارم اما استفاده از حروف را می‌توانستم ثابت نگه دارم. بهترین نمونه‌ای که می‌توانم مثال بزنم شیوه کاری استاد مصطفی اسداللهی است. به عنوان یک زبان شخصی، ایشان از فرم‌های هندسی در گرایش‌های زیاد استفاده می‌کند اما این فرم‌های هندسی باعث نمی‌شود که موضوعات مختلف را با زاویه دید و زبان شخص خودش بیان کند، اما در موضوعات مختلف از فرم‌های با ریشه واحد استفاده می‌کند و به نظر زبان شخصی موفقی است.

● از استاد ممیز نام ببرید، چقدر متأثر از استاد مرتضی‌ممیز هستید؟

من خیلی در طراحی لوگو متأثر از استاد ممیز بوده و هستم. خیلی از ایشان آموختم و مرب کارهای ایشان را مرور می‌کنم. ساختار قوی فرم‌های ایشان در عین سادگی، گویایی و پویایی و نگاه ایشان به سفارش‌دهنده برای من همیشه الگو بوده است. استاد ممیز درحالی‌که تمامی اصول هنر گرافیک را رعایت می‌کرد، نظر سفارش‌دهنده برایش محترم بود؛ در طراحی جلد کتاب‌هایی که انجام داده ان را به‌راحتی می‌توانیم ببینیم که چقدر موضوع کتاب، موضوع ناشر و موضوع مخاطب آن کتاب برایش مهم بوده است. برای مثال «کتاب بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم؛ نوشته نادر ابراهیمی» که مخاطب می‌طلبد که برای آن یک تصویرسازی خاص اتفاق بیفتد و اوج هنر تصویرسازی را در این اثر می‌بینیم و جلدی‌هایی داریم که به‌خاطر مخاطب دانشگاهی یا علمی که شاید خیلی فضاییشان هنری نباشد، استاد ممیز بسیار ساختارمند طراحی کرده و این برای من همیشه یک الگو بوده و این برای من اصل اساسی شده که مخاطب و سفارش‌دهنده همراه با رعایت اصول گرافیک بسیار در طراحی تأثیرگذار است. ● تعریف شما از گرافیک کاربردی متفاوت از آن چیزی است که امروز به‌صورت متداول می‌بینیم؟

تعریف من از گرافیک کاربردی متفاوت است. گرافیک امروز ایران دچار یک بیماری شده که دوسر طیف خیلی تعدادشان زیاد است اما وسط خیلی تعدادشان کم است. طیف اول گروهی هستند که می‌گویند گرافیک را ما می‌فهمیم و ما می‌دانیم چیست و گرافیک یک هنر و در خدمت هنر است؛ هنر سفارشی نیست و با مخاطب و سفارش‌دهنده ارتباط برقرار نمی‌کند و آثاری تولید می‌شود که اگر هم در قالب گرافیک کاربردی می‌آید خیلی کاربرد ندارد. کار هنری انجام می‌شود، طرح جلد زده می‌شود که از عالی‌ترین و برترین طراحی‌های گرافیکی است، اما آن طرح به درد آن مخاطب و آن موضوع و کتاب نمی‌خورد. طیف دوم گروهی هستند که من به آنها گرافیک بازاری می‌گویم که نمونه آنها را در محدوده میدان انقلاب همیشه در دسترس می‌بینید و شما به آنها مراجعه می‌کنید و می‌گویید لوگو می‌خواهم با این مختصات که مثلا کمرک باشد با رنگ زرد و یک خط از بخشی از آن عبور کند و نوشته روی آن به شکلی خاص

و البته در جامعه ما متأسفانه به دلیل اینکه هنر با سلیقه آمیخته است، این وضع وجود دارد. یعنی همه خودشان را صاحب‌نظر و هنرمند می‌دانند؛ البته بازهم تأکید دارم که نظر سفارش‌دهنده باید لحاظ و اعمال شود. گرافیست موفق کسی است که سلیقه را ترجمه کند، یعنی سفارش‌دهنده آن را دوست داشته باشد و همچنان اصول در آن رعایت شده باشد؛ اصولی که بتواند در آینده عایدی داشته باشد.

● در کارگاه شما بوم‌های زیادی می‌بینیم که روی آنها کار می‌کنید و تابلوهای بسیار زیبایی از خط- نقاشی‌های شما را می‌بینیم. درباره این کارها توضیح می‌دهید؟

بخشی از وجود هرکسی که با هنر سروکاری دارد، دلش است؛ یعنی آن کارهایی که دوست دارد به‌خاطر دلش انجام بدهد و حرف‌هایی برای دل خودش به جامعه‌اش بزند. من حرف‌هایی را دوست داشتم به جامعه بزنم. زبان دلم و زبانی که بلد بودم، خط نقاشی است و در فضایی که الان جامعه ملتهب ما دارد، امیدوارم به دل خیلی‌ها بشنیدم و مفهوم را منتقل کرده باشم.

● مضمون این خط‌نقاشی‌ها چه هستند؟

مضمون مشترک همه خط‌نقاشی‌های من دیگر دوستی و مهرورزی است. احساس می‌کنم در شرایطی هستیم که با این تفکر که کلاه خودم را نگه دارم که با آن را نبرد، وضعیت جامعه از این هم بدتر می‌شود و چاره کار در دیگر دوستی است و آدم‌ها باید با هم مهربان باشند که جامعه ما از این شرایط نجات پیدا کند. هرچه به هم سخت بگیریم، به هم آسیب بیشتری می‌زنیم. با خودبینی و خودستایی نتیجه‌ای نمی‌گیریم بلکه با دیگر دوستی از این وضعیت نجات پیدا خواهیم کرد.

● او پس‌زدی نمایشگاهی از آثارتان خواهیم دید؟ این پنجمین نمایشگاه شماست؟

چون ۱۰ سال از آخرین نمایشگاه من می‌گذرد و نگاه من نسبت به محیط، جهان و خط‌نقاشی تغییر کرده است، می‌توانم بگویم اولین نمایشگاه است؛ البته آنها برای دوره خوش‌امفید بوده ولی با نگاه و تجربیات آن روز، من در طول این سال‌هایی‌که کار هنری کرده‌ام، چیزهایی از هنر و از فضای طراحی درک کرده‌ام، من در این نمایشگاه حرف اصلی‌ام این است که درست است که کار خط‌نقاشی است، ولی من نه خوش‌نوس هستم و نه نقاش؛ من آدمی هستم که در استفاده از رنگ، حروف و ساختن ترکیب‌بندی تجربیاتی دارم و اینها را با هم آمیخته‌ام و تابلوهایی کشیده‌ام که شاید برای چشم بعضی خوشایند باشد و به‌هیچ‌وجه داعیه خوش‌نویسی و نقاشی ندارم و این حاصل تجرب من در ترکیب‌بندی و رنگ است و اولین‌باری است که به این شکل نمایشگاه برگزار می‌کنم.

● چه زمانی برگزار می‌شود و کجاست؟

این نمایشگاه از ۹ در گالری آریانا به‌صورت اکران عمومی است و امیدوارم به چشم بینندگان خوش بیاید.

● چرا شاگردان شما از خود شما شناخته‌شده‌تر هستند، علتش چیست؟

خوب البته آنها با استعدادتر از من بودند... ولی واقعیتش این است که در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که فقط هنرمندبودن برای شناخته‌شدن کافی نیست، خیلی از رسانه‌ها و فضاهای جدید مورد نیاز کار هنری است که من آنها را ندارم. آنها به شناخته‌شدن کمک می‌کنند و خیلی هم خوب است و من افتخار می‌کنم به شاگردانم و البته آنها اکنون شاگردان من نیستند و برای خودشان استادهایی هستند در فضای آموزش. من همیشه خواستم که هنر منطقی‌ای باشد که امروز به غرب کارون مشهور است و میادین عظیم هنر دارد، ولی فقر در آن منطقه زیاد است نگاهی دارم. مستند «زیر صفر مرزی» به بخش آوینی جشنواره سینما – حقیقت که رقابتی است، راه یافته.

کاربردی بودام.

● فعلا گرافیک کاربردی به رشته‌های دیگر هنر کمک کرده، آنها چه کمکی به گرافیک کاربردی کردند؟ این یک بحث فرهنگی است که من خودم نزدیک به ۲۰، ۳۰ پوستر تئاتر داشتم؛ چون با تئاتر‌های کار کردم، کارگردان‌های بسیاری داریم کارگردان‌هایی هنری داریم که معتقدند ما کارمان را کرده‌ایم و نیاز نداریم مخاطب با پوستر جذب بشود. برای دین تئاتر که من برای آن سلیقه هم طرح پوستر زدم و توانستم نظر آنها را با اصول هنر گرافیک به مخاطب منعکس کنم، ولی کارگردانی هم داریم که می‌گویند من می‌خواهم کارم بفروشد و می‌خواهم از طریق پوستر به مخاطب بگویم بیا و این کار را ببین، حتما او هم متفاوت است (صادق پروین‌آشتیانی/ مشارکت) و می‌شنوید؟ (محمدحسین مهدویان/ مشارکت) و سرو زیر آب (محمدعلی باشه‌آهنگر/ مشارکت) در بخش مسابقه سینمای ایران و امپراطور جهنم (پرویز شیخ‌طادی/ مشارکت) به‌عنوان میهمان و خارج از مسابقه در جشنواره به نمایش درمی‌آیند.

از این‌س میان، فیلم‌های «کنجانچم» یا سمن نصرتی، «ویلائی‌ها» منیر قیدی و «دریاچه ماهی» مریم دوستی محصول بانوان فیلم‌سازی است که فیلم اول خود را در عرصه دفاع مقدس و مقاومت تجربه کرده‌اند.

درعین حال فیلم‌های «کنجانچم» یا سمن نصرتی و «صدای منو می‌شنوید» صادق پروین‌آشتیانی نخستین رونمایی خود را در این جشنواره تجربه می‌کنند.پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» به همت بنیاد فرهنگی روایت فتح، انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس از ۵ تا ۹ آذر سال جاری به دبیری محمد خزاعی در تهران برگزار می‌شود.

کنید اگر دانشگاه می‌رفت چه می‌شد.

زیر آسمان فیروزهای

انتصاب چهار مدیر جدید جشنواره بین‌المللی فیلم وارش

● گروه هنر: دبیر نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم وارش در احکامی جداگانه مدیران چهار بخش دیگر این جشنواره را معرفی کرد.

به گزارش روابطعمومی این جشنواره، مهدی قربان‌پور، «دبیر نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم وارش» در احکامی الهه نوبخت، سیدرضا صائمی، عباس ابوالحسنی و میکائیل حقانی را به‌ترتیب به عنوان مدیر بخش بین‌الملل، مدیر کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی، مدیر بخش آیین‌ها و مدیر امور داوطلبان منصوب کرد. الهه نوبخت تهیه‌کننده مستند و از بخش‌فیلم‌های بین‌المللی سینمای ایران است و در این سال‌ها مدیر بخش میهمانان خارجی و مسئول بخش داوران بین‌الملل دوره‌های سی‌ویکم تا سی‌وسوم جشنواره فیلم فجر و مدیر بین‌الملل ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم شهر بوده است. او همچنین در آخرین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم زتو سوئیس به عنوان داور حضور داشته است.

سیدرضا صائمی کارشناس ارشد ارتباطات و عضو انجمن نویسندگان و منتقدان سینمای ایران است. دبیری تحریری به‌همان‌ه سینمای هنرو تجربه از دیگر فعالیت‌های او در حوزه سینماست. او همچنین به عنوان کارشناس نقد فیلم در برنامه‌های مختلف تلویزیون حضوری فعال داشته و به عنوان روزنامه‌نگار و منتقد سینما جوایزی را از جشنواره نوشتار و مطبوعات سینمایی دریافت کرده است.

عباس ابوالحسنی نیز مدرک کارشناسی نمایش با گرایش بازیگری دارد و کارگردانی چندین نمایش از جمله «سنگ»، «زمانی برای گفتن»، «زرم اسفندیار»، «خفته‌ها» و «آنتیکونه» را در کارنامه خود دارد و فعالیت‌های نمایشی او در فستیوال بین‌المللی نیایفست برزیل و فستیوال بین‌المللی کامیلا لاهازاژاژاژاژاژاژاژ قرار گرفت. ابوالحسنی در ادوار گذشته رئیس انجمن نمایش مازندران و مسئول دبیرخانه جشنواره بین‌المللی تئاتر اکو نیز بوده است. میکائیل حقانی از فعالان جوان فرهنگی است. او اجرای چند برنامه برای صدای جمهوری اسلامی ایران را عهده‌دار بوده و عضو ستاد اجرایی جشنواره ملی بهارنازنج مازندران و جشنواره آواها- نواها نیز بوده است. گویندگی برنامه پارک ساعی، باغ ملی و اینک بهار از دیگر فعالیت‌های او در حوزه فرهنگی است. نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم وارش به دبیری مهدی قربانپور اردیبهشت ۹۸ در استان مازندران برگزار می‌شود.

راهیابی مستند «زیر صفر مرزی» به جشنواره سینما– حقیقت

● گروه هنر: مهدی افشارنیک، روزنامه‌نگار حوزه نفت، فیلمی با عنوان «زیر صفر مرزی» با تهیه‌کنندگی علی جلیلودن کارگردانی کرده است که در این فیلم به سرنوشت یک فرمانده عرب در زمان جنگ عراق علیه ایران می‌پردازد که در منطقه هورالعظیم مفقودالاثَر می‌شود.همچنین این مستند به منطقه‌ای که امروز به غرب کارون مشهور است و میادین عظیم هنر دارد، ولی فقر در آن منطقه زیاد است نگاهی دارم. مستند «زیر صفر مرزی» به بخش آوینی جشنواره سینما – حقیقت که رقابتی است، راه یافته.

حضور فارابی در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت

● گروه هنر: هشت عنوان فیلم سینمایی از تولیدات مورد حمایت بنیاد سینمایی فارابی در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت حضور دارند.

فیلم‌های کنجانچم (یا سمن نصرتی/ مشارکت)، ویلائی‌ها (منیر قیدی/ مشارکت)، دریاچه ماهی (مریم دوستی/ مشارکت)، ماهورا (حمید زرگزناژ/ مشارکت)، ماجرای نیمروز (محمدحسین مهدویان/ مشارکت)، صدای منو می‌شنوید؟ (صادق پروین‌آشتیانی/ مشارکت) و سرو زیر آب (محمدعلی باشه‌آهنگر/ مشارکت) در بخش مسابقه سینمای ایران و امپراطور جهنم (پرویز شیخ‌طادی/ مشارکت) به‌عنوان میهمان و خارج از مسابقه در جشنواره به نمایش درمی‌آیند.

از این‌س میان، فیلم‌های «کنجانچم» یا سمن نصرتی، «ویلائی‌ها» منیر قیدی و «دریاچه ماهی» مریم دوستی محصول بانوان فیلم‌سازی است که فیلم اول خود را در عرصه دفاع مقدس و مقاومت تجربه کرده‌اند.

درعین حال فیلم‌های «کنجانچم» یا سمن نصرتی و «صدای منو می‌شنوید» صادق پروین‌آشتیانی نخستین رونمایی خود را در این جشنواره تجربه می‌کنند.پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» به همت بنیاد فرهنگی روایت فتح، انجمن سینمای انقلاب و